فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال هفتم، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۳۹٦
صفحات ۱۰۳ – ۱۲٤

زید بن علی علیه‌السلام رهبر کاریزماتیک زیدیان

محبوبه فرخنده‌زاده[۱]

چکیده

زیدیه در سال ۱۲۲ پس از شهادت زید بن علی بن حسین علیه‌السلام و شکست قیـام او شـکل گرفت. زیدیان با تأکید بر جایگاه و شخصیت علمی و مذهبی زید، عقایـد و دیـدگاهش درباره شروط امامت را ترویج و نفوذ کاریزمـایی او را در جامعـه تقویـت کردنـد. مسـئله اصلی پژوهش این است که شخصیت زید چگونه بر بقاء این فرقـه و انتقـال جانشـینی کاریزمایی تأثیر گذاشته است. از این رو افزون بر ویژگی‌های شخصیتی زید بن علی علیه‌السلام، بحران یا شرایط اجتمـاعی و سیاسـی جامعـه اسـلامی کـه زمینـه‌سـاز ظهـور رهبـری کاریزماتیک در جامعه شده بود، بر مبنـای چـارچوب جامعـه‌شـناختی اقتـدار (سـیادت) کاریزماتیک ماکس وبر بررسی و تبیین شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که زید با گفتمان جدید بـرای حـلّ بحـران سیاسـی و اجتمـاعی شـیعیان وارد صـحنه سیاست شد و به عنوان رهبر کاریزماتیک زیدیان در شکل‌گیـری و بقـای فرقـه زیدیـه نقش مهمی ایفا کرد.

کلید واژه‌ها: زید بـن علـی علیه‌السلام، فرقـه زیدیـه، قیامهـای شـیعی، مـاکس وبـر، سـیادت کاریزماتیک.

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه فردوسی مشهد. farkhondehzadeh@um.ac.ir
دریافت: ۹٦/۰٤/۲۸ پذیرش: ۹٦/۰۷/۰٦

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]

مقدمه

زیدیان خود را پیرو زید بن علی بن حسین علیه‌السلام می‌دانند که به دوران خلافت هشام بن عبدالملک اموی (حک. ۱۰۵–۱۲۵)، در کوفه دست به قیام زد. بعد از زید، فرزندش یحیی راه پدر را در خراسان دنبال کرد. برغم شکست سیاسی، این دو قیام در عرصه اندیشه و کلام پیامد و تأثیرات بسیاری گذاشتند، به گونه‌ای که معتقدان آنها با نام زیدیه تا به امروز در ممالک اسلامی چون حجاز، یمن، مصر و شمال آفریقا پراکنده‌اند. درباره پیدایش و عقاید زیدیه از سده‌های نخست در منابع تاریخی، کلامی، فرق و ملل و نحل مطالبی بسیار نقل شده است؛ اما تاکنون پژوهشی مستقل درباره علل و عوامل شکل‌گیری فرقه زیدیه و رهبری زید بن علی با رویکرد جامعه‌شناختی صورت نگرفته است. نوشتار پیش‌رو بازخوانی با رویکرد جامعه‌شناختی از سیادت و جاذبه زید بن علی به عنوان پایه‌گذار فرقه زیدیه بر مبنای نظریه اقتدار کاریزماتیک ماکس وبر است. علاوه بر این با استناد به گزارش‌های تاریخی و تحلیل و تعلیل داده‌ها بر مبنای سلطه جاذبه کاریزمایی، به راه‌کار زیدیان برای توجیه و تبیین مسئله جانشینی و زعامت فکری و سیاسی زیدیه پاسخ داده خواهد شد. از این‌رو ویژگی‌های کاریزمایی زید به عنوان رهبر کاریزماتیک زیدیان و پیامد سیاسی و کلامی دیدگاه وی درباره امام و تأثیر آن در انتقال جانشینی کاریزمایی مسئله اصلی این پژوهش است. به جهت تبیین چارچوب نظری، نخست به سیادت کاریزماتیک اشاره خواهد شد.

چارچوب مفهومی

ماکس وبر جامعه‌شناس بزرگ آلمانی به تحلیل دولت و رابطه پیچیده آن با جامعه علاقه داشت. عقلانیت، کاریزما، اخلاق پروتستانی و بوروکراتیزه شدن از موضوعات اساسی آثار وبراند. نظریه انواع حاکمیت که همان مطالعه نظام‌های سیاسی مشروع و نهادهای قدرت و دولت در آنهاست، از مهم‌ترین مباحث و در واقع مبنا و اساس جامعه‌شناسی وبر است. او در جامعه‌شناسی خود مفاهیم سیاست، قدرت و سیادت[1]

۱. واژه Herreschaft معمولاً به سلطه (Domination) ترجمه می‌شود. با توجه به منشأ و مفهوم به کار گرفته شده ←

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]

(سلطه) مشروع را به روشنی تعریف می‌کند و نمونه‌های متعالی از اتوریته[1] و یا سلطه مشروع را بیان و مشخصات هر یک را بر می‌شمرد.

از دیدگاه وبر دعاوی مشروعیت (اقتدار) بر سه نوع کلی‌اند: قانونی-عقلانی (بوروکراتیک)،[2] سنتی[3] و کاریزماتیک[4] (فرهمند). به نظر وی اگر سیادت مبتنی بر باورها و روابط و ارزش‌های سنتی باشد، سیادتی سنتی است. اگر مبتنی بر پذیرش قانون باشد، سیادتی قانونی - عقلایی خواهد بود و سرانجام، سیادتی که مبتنی بر ارتباط درونی (عاطفی-ارزشی) بین یک رهبر کاریزمایی از یک سو و پیروان وی از سوی دیگر باشد، سیادتی کاریزمایی خواهد بود. وبر در بیان ویژگی‌های سیادت کاریزماتیک، نخست واژه کاریزما را تعریف کرده می‌نویسد: «کاریزما برای خصوصیات ویژه شخصیت یک فرد که به سبب همین ویژگی از افراد عادی جدا می‌شود و به عنوان کسی که صاحب توانایی یا خصوصیات فوق طبیعی، انسانی یا استثنایی است، استفاده می‌شود این ویژگی‌ها برای افراد عادی قابل دسترسی نیستند، بلکه منشأ آنها اله و یا منحصر به فرد است و به همین سبب فرد به عنوان رهبر شناخته می‌شود» (وبر، *اقتصاد و جامعه*، ٤٥٤-٤٥٥). در نتیجه چنین اعتقادی، پیروان به رهبر کاریزمایی، با آمیزه‌ای از حرمت، هیبت و وفاداری می‌نگرند (برایمن، به نقل از جلایی‌پور، «مقایسه سلطه فرّه‌مندانه و سلطه کاریزماتیک با اتکا به آراء وبر؛ ایضاح یک خلط مفهومی»، ٤١).

١. عوامل شکل‌گیری کاریزما

فرایند تکوین کاریزما چگونه است؟ یا چگونه یک فرد ویژگی کاریزمایی پیدا می‌کند؟ از سوی دیگر پیروان چگونه به او اعتماد و گروش دارند؟ پاسخ به این سؤالات از دو جنبه قابل بررسی است؛ نخست تبیین صفات و ویژگی‌های فردی و شخصیتی رهبر کاریزمایی و دوم علل گرایش و اعتماد پیروان به رهبر کاریزما.

توسط وبر به نظر می‌رسد که سیادت از نظر معنایی رساتر باشد (وبر، *اقتصاد و جامعه*، ص٩١).

1. Authority
2.Bureaucratic
3.Traditional
4.Charisma

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]

۱.۱. ویژگی‌های رهبر کاریزماتیک

وبر برای رهبر کاریزما مجموعه ویژگی‌هایی را برشمرده است که بخشی از آن به ماهت رهبری اختصاص دارد و بخشی دیگر به کارکردهای آن مربوط می‌شود. به تعبیری رهبر باید واجد چه شرایطی باشد که توده مردم از او پیروی کنند؟ و ارزیابی رهبر از سوی پیروان چگونه است؟ رهبر کاریزما باید از ویژگی‌هایی شخصیتی برخوردار باشد تا قابلیت و اقتدار کاریزمایی پیدا کند. پذیرش رهبر از سوی کسانی که در این نوع سیادت قرار دارند، برای اعتبار کاریزما تعیین‌کننده است. باورمندی به رهبر از سوی پیروان آزادانه‌ست و با آنچه به عنوان نشانه تلقی شده، تضمین می‌شود. نشانه می‌تواند معجزه، اعتماد به وحی، عمل خارق‌العاده، قهرمانی و اعتماد کامل به رهبر باشد (وبر، *اقتصاد و جامعه*، ص٤٥٥). به اعتقاد وبر ویژگی اساسی رهبر کاریزمایی به‌ویژه در جنبش‌های مذهبی و شخصیت‌هایی مانند پیامبران رسالت است (همو، ٤٥٦). محققان برای نمونه‌های عادی‌تر کاریزما مجموعه‌ای از صفات شخصیتی در نظر گرفته‌اند. ویژگی‌هایی نظیر دارا بودن جاذبه‌ای قدرتمند، نفوذ، اقتدار، جذابیت‌جسمانی، قدرتِ‌تحمل، اعتماد به نفس، فهم نیاز دیگران و نفوذ بر آنها رهبر کاریزما را از افراد عادی جدا و همچون محرکی پیروان را ترغیب می‌کند تا از او اطاعت کنند (عابدی جعفری، ١٤٧).

۲.۱. وضعیت اجتماعی (بحران)

بر مبنای رهیافت نخست مشروعیت و سلطه کاریزما، به خصیصه رهبر کاریزماتیک چون قاطعیت، قدرت، اراده شخص کاریزما و قائم به ذات بودن بستگی دارد. پایگاه اجتماعی ویژه فرد، در ظهور رهبری کاریزماتیک در سطح وسیع نیز مؤثر است. اما صِرف وجود برخی صفات در رهبر، کافی نبوده و این ویژگی‌ها باید از سوی پیروان مورد پذیرش قرارگیرد. به سخن دیگر در اقتدار کاریزمایی پیروان برای مشارکت و گروش به رهبر به مطلبی فراتر از باور نیازمندند، چراکه تنها نمی‌توان اقتدار کاریزمایی را با پذیرش صفات رهبری تبیین کرد. جدا از صفات رهبر و ویژگی‌های شخصیتی، باید شرایطی وجود داشته باشد تا گروهی حول محور یک فرد قرارگیرند. رهیافت دوم به دریافت پیروان و گرایش‌های آنها به رهبری کاریزما و شرایط عینی و ذهنی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]

شکل‌گیری باورمندان تأکید دارد (جلایی پور، «شرایط شکل‌گیری و یا افول رهبر کاریزمایی»، ۱۱). به منظور درک شکل‌گیری کاریزما باید از متغیرهای دیگری نیز کمک گرفت. مفهوم وضعیت اجتماعی از عوامل زمینه‌سازِ تشکیل فرایند کاریزماست. وبر برای نشان دادن متغیر وضعیت اجتماعی که سبب باور و گرایش مردم به رهبر کاریزما می‌شود، از مفهوم بحران استفاده کرده است (بندیکس، ۳۲۸). بحران از مفاهیم و متغیرهای زمینه‌ساز برای تعیین موقعیتِ رهبر کاریزماست. بی‌ثباتی، ضعف نهاد و حضور رهبران سیاسی که دارای انگیزه‌اند، بزرگترین فرصت برای انجام اقدامات تعیین‌کننده به شمار می‌رود (جلایی‌پور، «شرایط شکل‌گیری و یا افول رهبر کاریزمایی»، ص۱۳). شدت بحرانی که پیش روی جامعه قرار دارد، نوع رهبری که می‌تواند به مؤثرترین شکل، مسائل اجتماعی را حل کند (کرایب، ۲۳۲) و در نهایت موقعیت‌هایی که مردم ضرورت تحول ناگهانی در سیستم سیاسی و اجتماعی را احساس کنند، روی‌هم شرایطی را به وجود می‌آورد تا رهبر کاریزمایی بتواند مهمترین نقش را ایفا کند (عابدی جعفری، ۱٤۳). گاه یک موقعیت نامطلوب یا بحران شدید همراه با احساس محرومیت، موجب شکل‌گیری کاریزما می‌شود. در حقیقت با این نگرش فهم دیگری از کاریزما به دست می‌آید. سیادت کاریزمایی که با فعالیت شخص رهبر ظهور می‌کند، علاوه بر ویژگی‌های شخصی و فردی شخص کاریزما، مستلزم شرایط و زمینه‌هایی سیاسی – اجتماعی است تا به حضور مؤثر وی در جامعه کمک کند.

رهبری کاریزماتیک پدیده‌ای است که بیشتر در شرایط و وضعیت‌های منحصر به فرد و نادر ظهور می‌کند. اشتیاق ناخودآگاه پیروان و محرومان از خودشیفتگی، عاملی است که پیروان برای جبران آن به سراغ رهبر می‌روند. در جوامعی که بحران‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و روانی وجود دارد، نیاز بیشتری به رهبری کاریزمایی احساس می‌شود. افراد در جوامع در حال گذار از نظام عشیره‌ای در نوعی خلأ به سر می‌برند. به عبارتی افراد در این جوامع به نوعی خود را محتاج جنبش کاریزمایی می‌دانند تا بتوانند از طریق کرامات و معجزات مشکلات اجتماعی‌شان را حل کنند. از اینرو جامعه در شرایط بحرانی به قدرت کاریزماتیک متوسل یا متمایل می‌شود. ناامیدی و شرایط بحرانی جامعه به توهماتی دامن می‌زند که مردم را در انتظار یک ناجی آسمانی قرار

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]

می‌دهد. جنگ‌ها، عناصر سنتی (تفکر قبیله‌ای و مذهبی)، پایگاه اجتماعی، ایـدئولوژی و نظایر اینها از دیگرعوامل مهم و کارآمد در ظهور رهبران کاریزمایی‌اند (نقیب‌زاده، ۱۵۹؛ کرایب، ۲۳٤-۲۳۵).

بحث تاریخی

انگیزه و هدف زید بن علی علیه‌السلام از قیام، دیدگاهش به مسئله امامـت و شـروط امـام، بن‌مایه فکری عقاید زیدیه در پذیرش رهبر کاریزمایی و انتصاب امامان زیدی به شـمار می‌رود. از این‌رو شخصیت و آراء زید به طور گذار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

زید بن علی بن حسین علیه‌السلام

زید بن علی بن حسین علیه‌السلام، اولین علوی بود که بعد از واقعه عاشـورا، علیـه ظلـم و ستم دودمان اموی قیام کرد. در مورد علل و انگیزه قیـام زیـد، در منـابع اخـتلاف نظـر وجود دارد. برخی از گزارش‌های تاریخی، علت قیام وی را مطالبه حقوق از دست رفته آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله ذکر کرده‌اند. به تصریح منابع، وی امامت را نـه بـرای خـود بلکـه بـرای برگزیده آل‌محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌خواست (کلینی، ۲۱۹). شیخ مفید می‌نویسد: «زید جدا از مقام علمی، از لحاظ دلاوری و شجاعت نیز سرآمد بود، به همـین سـبب بـر دولـت امـوی خروج کرد؛ انگیزه او از قیام، امر به معروف و نه از منکر و خونخواهی امام حسـین علیه‌السلام بود. زید می‌دانست که بردارش امام محمدباقر علیه‌السلام شایسته‌تـرین شـخص بـرای منصـب امامت است و پدرش زین‌العابدین علی بن حسین علیه‌السلام، در وصـیت خـود بـه امامـت او تصریح کرده است» (مفید، ۲٦۸). نظر مفید به سبب شواهد و مدارک قابل دفاع نیسـت، زیرا در منابع تاریخی گزارش‌هایی در دسـت اسـت کـه بـر دعـوت زیـد بـرای خـود (ابوالفداء، ۲۰٤/۱) و یا انتظار وی برای جانشینی بعد از امام محمـدباقر علیه‌السلام دلالـت دارد (ابن‌طقطقی، ۹۷). زید به بهانه اختلاف مالی با یزید بن خالد قسری بـه دسـتور هشـام خلیفه اموی (حک. ۱۰۵-۱۲۵ق) بازداشت شد. در پی ادعای یزید بن خالد قسری والی معزول عراق، زید برای رد ادعای وی به دستور خلیفه اموی به شام رفت. خلیفه بـرای معلوم شدن نتیجه امر و مذاکره با خالـد، او را بـه عـراق فرسـتاد (ابـوالفرج اصـفهانی، ۲۰۵/۱). زید پس از رفع اتهام، با وجود اصرار والی بر ترک کوفه، به دعوت گروهی از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]

شیعیان در آنجا اقامت کرد (همو، ۲۰۸؛ ابن‌طقطقی،۱۳۱). زید بـرغم توصـیه برخـی از علویان[1] به بی‌وفایی کوفیان و عدم همراهی آنها در قیامها (ابوالفرج، ۲۰۹/۱)، با اعتمـاد به آنها و دل بستن به تعداد بیعـت‌کننـدگان، دعـوت را پـذیرفت و در بـه کوفـه مانـد (یعقوبی، ۳۲٦/۲؛ ابوالفرج، ۱/ ۲۱۰). لازم به ذکر است که علاوه بـر کوفیـان برخـی از حسنیان از جمله محمد و ابراهیم فرزندان عبدالله بن حسن محض در قیام زید شـرکت داشتند (محلی، ۱/ ۲۵۵). قیام زید بن علـی علیه‌السلام بـه سـال ۱۲۲ پـس از علنـی شـدن بـه شکست انجامید. بعد از شهادت زید، فرزندش یحیی راه پـدر را دنبـال کـرد. در کوفـه پیروان زید از اطراف یحیی پراکنده شدند، به این ترتیب او به خراسان رفت و در ناحیه جوزجان با همراه شیعیان آن ناحیه، خود را برای مقابله علیه ظلم و ستم دولـت امـوی آماده کرد. قیام یحیی نیز به سال ۱۲۵ سـرکوب شـد و خـود و اصـحابش بـه شـهادت رسیدند (یعقوبی، ج۲ /۳۳۱-۳۳۲؛ ابوالفرج، ۱/ ۲۳۵؛ ابن‌اثیر، ۲۷۱/۵).

موقعیت کاریزمایی زید بن علی

مطلب قابل تأمل آن است کدام ویژگی زید زمینه‌ساز شکل‌گیری باورهای کاریزمایی در پیروان نسبت به او شد؟ این ویژگیها چگونه توانست اعتبـار و جاذبـه‌ای در جامعـه برای وی به وجود آورد؟

۱. ویژگیهای شخصیتی

نسب

زید فرزند امام علی بن حسین زین‌العابدین علیه‌السلام و برادر امام محمدباقر علیه‌السلام اسـت، وی در خاندانی شریف پرورش یافت. درباره زید روایات بسیار به نقـل از پیـامبر و امامـان نقل شده‌است و پیشوایان دینی از وی به عنوان یکی از شخصـیت‌هـای علمـی تمجیـد کرده‌اند. ابوحنیفه در حق وی گفته است: «من در این زمان دانشمندتر از زید نیـافتم» و او را با لقب «حلیف قرآن» و «شهد» می‌خواند (هارونی، ۱۳). افزون‌بر مقام علمـی زیـد

۱. زید حتی با برادرش امام محمد باقر علیه‌السلام مشورت کرد و امام نیـز بـی‌اعتمـادی کوفیـان را بـه وی متـذکر شـد (مسعودی، مروج الذهب، ۲۰٦/۳).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]

از نظر شجاعت و دلاوری نیز سرآمد بوده‌است (همو). دانش، وسعت علم، تبار خانوادگی، شخصیت والا، زهد و عبادت در تثبیت موضع‌گیری و گروش مردم به زید مؤثر بود.

۲. بحران

متغیر بحران مهمترین بستر ظهور کاریزما در جامعه است. بحران شرایطی را به وجود می آورد که از یکسو رهبر توانمند می‌تواند با طرح راه حلی نو و دیدگاه جدید، مردم را به سوی خود جذب کند و از سوی دیگر تحولات سیاسی و روانی وضع موجود، مردم را برای پذیرش اقتدار کاریزمایی آماده می‌کند. رهیافت بحران در قیام زید هر دو کارکرد را داشته است. زید بعد از واقعه عاشوار و فشار خاندان اموی بر علویان توانست از این موقعیت استفاده کند و با هدف انتقام و امر به معروف و نهی از منکر وارد صحنه سیاست شود. از سویی شیعیان کوفه نیز به دلیل ستم‌های امویان از لحاظ روانی و عاطفی آمادگی پذیرش و گروش به چنین شخصیتی را داشتند. بر اساس گزارشهای تاریخی با ورود زید به کوفه، برخی از شیعیان منطقه از وی دعوت کردند تا رهبری قیام را به دست گیرد (ابوالفرج، ۲۰۸/۱؛ ابن‌طقطقی، ۱۳۱). به این ترتیب زید با درک عواطف ناشی از رویارویی با بحران موجود (وضعیت شیعیان) و احساس نیاز کوفیان به راه‌حل نو به دیدگاه رهبری و زعامت سیاسی، سعی در پذیرش و تقویت شخصیت کاریزمایی خود داشت. پیروان و باورمندان نیز برای بهبود وضعیت نامطلوب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود، با اعتماد و پذیرش زید، زمینه‌ساز شکل‌گیری فرایند رهبری کاریزماتیک وی شدند.

۲.۱. رویکردی جدید به مسئله رهبری

زید با ارائه اندیشه امامت انقلابی طرحی هوشمندانه را به همفکران القاء کرد و روش جدیدی را برای مشروعیت رهبریِ جامعه مطرح کرد. وی که مدعی جانشینی بود، علاوه بر نظریه نصّ (نصب الهی) مسئله قیام به سیف را نیز عنوان کرد. اعتقاد به خط مشی سیاسی و سیاست تهاجمی از سوی زید بن علی علیه‌السلام سبب شد تا وی و باورمندان به این اعتقاد از سایر فرق متمایز شوند، این اعتقاد رهیافتی برای رسیدن به

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]

قدرت سیاسی بود. پیروان و اطرافیان زید بعد از او مکتبی تشکیل دادند که در دیدگاه آنها امامت، صرفاً منصبی سیاسی بود و شناسایی و مرجعیت امام با قیام به سیف و کسب قدرت تحقق می‌یافت. به این ترتیب چهره کاریزمایی زید جلوه‌گر شد چه اقتدار کاریزمایی مستلزم نفی ارزشهای سنتی و دگرگونی نظم کهن و تثبیت شده است و بیشتر در واکنش به بحران به صورت نیروی انقلابی عمل می‌کند (موقن و تدیّن، ۱۱۱).

۲.۲. وضعیت سیاسی و اجتماعی شیعیان

قیام و اندیشه زید به سبب فضای جامعه‌شناختی کوفه مورد پذیرش کوفیان قرارگرفت. کوفه از مراکز مهم تشیع به شمار می‌رفت. شیعیان کوفه بعد از واقعه عاشورا برای جبران عدم همراهی با امام حسین علیه‌السلام، آماده قیام علیه دولت اموی بودند. مشارکت کوفیان در قیام توابین، مختار ثقفی و قیام زید حکایت از آمادگی مردم این شهر به منظور دفاع از خاندان علی علیه‌السلام و مبارزه علیه ظلم و ستم اموی دارد. بر اساس گزارش‌های تاریخی زید در راه بازگشت از شام در حیره اقامت کرد. بعد از ورود زید به شهر کوفه، هواداران علوی در این شهر او را به قیام دعوت کردند. زید در کوفه رساله‌ای درباره ستم بنی‌امیه، مظالم و فجایع آنها نوشت و به شهرهای مختلف فرستاد و مردم به جهاد علیه امویان دعوت کرد (بلاذری، ۵۲۶/۲–۵۲۷). مبارزه و مخالفت علنی زید با حکومت اموی سبب برجسته شدن وی در نگاه مردم شد.

افول کاریزما

پیشتر اشاره شد سلطه کاریزما فرمانبرداری از فردی با قداست، دلاور و دارای ویژگی‌های خارق‌العاده است (ترنر، ۷۱). ویژگی‌های وارثتی و رابطه خویشاوندی زید با خاندان پیامبر رهیافتی برای پذیرش جاذبه کاریزمایی وی در جامعه شد. علاوه بر صفات رهبری کاریزما، در نظام کاریزمایی هر اقدام فرهمندی نیازمند آفرینش الزامها، مناسبات اجتماعی و اندیشه‌های جدید است (همو). شخص کاریزما برای تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه وارد صحنه قدرت می شود. درحقیقت اعتبار و نفوذ و پذیرش رهبریِ اقتدار کاریزمایی علاوه بر صفات اخلاقی و شخصیتی، تلاش وی برای تغییر شرایط موجود است. در دورانی که زید قیام مسلحانه را سازمانده می‌کرد،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]

نابرابری و تضادهای اجتماعی و سیاسی شیعیان در دوره حاکمیت خلفای غاصب اموی، سبب همگرایی آنها با زید بن علی علیه‌السلام شد. بر مبنای نظریه سیادت کاریزمایی «بحران» زمینه را برای ایجاد شور و عواطف و احساس در جامعه برمی‌انگیزاند. به تعبیری برخی از شیعیان برای تغییر شرایط موجود با احساسِ شور و عواطفِ ناشی از مواجهه با بحران به جاذبه کاریزمایی زید گرایش پیدا کردند. چنانکه وبر زمانی که سیادت کاریزماتیک را با سیادت سنتی و عقلانی مقایسه می‌کند، به این مطلب اشاره دارد که اقتدار کاریزما کنشی احساسی است که به نیروی دگرگون‌ساز تبدیل می‌شود (وبر، *اقتصاد و جامعه*، ٤٥٨).

در حقیقت صفات و ویژگی‌های فردی زید و راه حلّ وی برای تغییر وضع موجود سبب شد تا گروه شیعیان به رهبری او گرایش پیدا کنند؛ اما شکست قیام زید و شهادتش، نشان از افول جاذبه کاریزمایی وی دارد؛ به ویژه آنکه زید در موعد قیام با عدم همراهی پیروان و بیعت کنندگانش مواجه شد. در بررسی نظام کاریزمایی وبر، از مفاهیم اینگونه برداشت می‌شود که جاذبه کاریزمایی رهبر در اقتدار کاریزماتیک بی‌ثبات است و گاه ممکن است رهبر جاذبه کاریزمایی خود را از دست بدهد (بندیکس، ۳۲۹). اقتدار و تداوم موقعیت رهبر کاریزما در گروی توانایی اجرای دعاوی برای پیروانش است. چنانکه اگر مدعی پیامبری است باید معجزه داشته باشد و یا اگر سردار جنگی است باید دست به اقدام بزند و کارهای قهرمانانه انجام دهد (وبر، *دین، قدرت، جامعه*، ۲۸۲). رهبر کاریزما از پیروانش می‌خواهد برای تحقق رسالتش از او اطاعت کنند. ادعای او در صورتی معتبر است که پیروان رسالتش را به رسمیت شناخته اعتبار و درستی رسالتش را باور کنند (بندیکس، ۳۲۹). به نظر وبر، رهبر کاریزما باید دعاوی خود را محقق کند، در غیر این صورت پیروان، رسالتش را رد کرده و اعتبار رهبر از میان می‌رود. به اعتقاد وی رهبری که مشروعیتش متکی بر کاریزمایی شخصی است به لطف کسانی که از او پیروی می‌کنند، رهبر می‌شود (وبر، *اقتصاد و جامعه*، ٤٥٨). به تعبیری اگر رهبر کاریزماتیک موفقیتی به دست نیاورد به تدریج پیروانش را از دست داده و جاذبه استثنایی وی افول می‌کند.

تطبیق و مقایسه نظریه جامعه شناختی با تحلیل داده‌های تاریخی قیام زید بن علی علیه‌السلام،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]

نشانگر آن است که زید ادعای خود مبنی بر قیام مسلحانه علیه ظلم و ستم خلفای اموی را محقّق ساخت. بنابراین شکست قیام وی یا به بیان دیگر افول کاریزمایی زید را باید در صداقت باورمندانش جستجو کرد. مطلب مهم آنکه وجهه و جاذبه رهبری باید در نگاه کسانی که صادقانه خود را تسلیم او کرده‌اند، به اثبات برسد. افول جاذبه رهبری زید و همراهی نکردن گروهی از پیروانش در موعد مقرر، مبتنی بر بافت جمعیتی و ساختار سیاسی و اجتماعی شهر کوفه و حضور قبایل طرفدار حاکمیت امویان در این شهر بود (ماسینیون، ١٦، ٥١؛ هندز، ١٢٠-١٢٢). همچنین اندیشه سیاسی زید و نگاه وی به جواز امامت مفضول بر افضل در پراکندگی پیروانش نقش داشت.[1]

جانشینی کاریزما

وبر در توضیح سلطه کاریزماتیک به حالت روزمرگی و عادی شدن کاریزما اشاره می‌کند. وی معتقد است این نوع سیادت در حالت اصیل خود، سرشتی غیرمعمول دارد. اقتدار (سیادت) عبارت از مناسبات اجتماعی است که به اعتبار و اثبات ویژگی‌های کاریزما بستگی دارد و در صورت تدوام از آسیب کوتاه مدت و گذرا بودن، عبور می‌کند. در این صورت سرشت کاریزمایی که در پیدایش خود نمونه خالص بوده، به نوع سیادت سنتی یا قانونی دگرگون می‌شود. علل دگرگونی سیادت کاریزماتیک نخست منافع معنوی و مادی پیروان در بقاء و تجدید حیات دایمی جمع است. منافع قوی‌تر معنوی و مادی نظام گرداننده پیروان ایجاب می‌کند که اول، مناسبات کاریزمایی ادامه یابد و دوم به گونه‌ای ادامه یابد که موقعیت آنها حالت مستمر و روزمره پیدا کند. این منافع و مصالح با فقدان شخص کاریزما و مطرح شدن مسئله جانشینی به شکل حادی نمایان می‌شود. اما وبر برای حلّ این بحران راه‌کارهایی زیر ارائه می‌دهد:

الف: تلاش مجدد برای یافتن رهبری کاریزمایی که طبق شواهد و علایم، صلاحیت سیادت را داراست.

ب: تعیین جانشین توسط خود کاریزما و قبول آن از سوی پیروان.

۱. درباره دیدگاه زید در باب خلافت شیخین رجوع شود به (طبری، ذیل حوادث سال ۱۲۲، ۱۸۰/۷)؛ البته برخی از محققان معاصر نسبت این تفکر به زید را افترا دانسته‌اند (کریمان، ۲۰۳، ٢٣٦).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]

ج: تعیین و انتصاب جانشین توسط دستگاه کاریزمایی گرداننده اجتماع کاریزمـایی و پذیرش و به رسمیت شناختن وی از سوی اجتماع مورد نظـر (وبـر، *اقتصـاد و جامعـه*، ٤٦٠-٤٦١).[1]

جانشینی کاریزماتیک زید بن علی علیه‌السلام

۱. همگرایی علویان حسنی با قیام زید و یحیی

مسئله مهم در نظریه جامعه‌شناختی اقتدار کاریزماتیک، جانشـینی کاریزمـا اسـت. از این‌رو بررسی جانشینان زید و امامان زیدی، برای تبیین طرح چـارچوب مفهـومی ایـن پژوهش ضروری به نظر می‌رسد.

بعد از زید، فرزندش یحیی راه پدر را دنبال و رهبری قیام علیه ظلم و سـتم دولـت اموی را به دست گرفت (یعقوبی، ۳۳۱/۲-۳۳۲؛ شهرستانی، ۱۱۵). با شهادت زیـد بـن علی علیه‌السلام هوادارانش از اطراف یحیی پراکنده شدند، با این حال به فعالیت‌های خود ادامه دادند. به این ترتیب او به خراسان رفت و در ناحیه جوزجـان بـا همراهـی شـیعیان آن ناحیه، خود را برای مقابله علیه دولت اموی آماده کرد. قیام یحیی به سال ۱۲۵ سرکوب و یحیی و اصحابش به شهادت رسیدند (یعقوبی، ۲/ ۳۳۲؛ ابوالفرج، ۱/ ۲۳۵؛ ابن‌اثیر، ۵/ ۲۷۱). با شکست قیام زید و فرزندش یحیی، شاخه علویان حسنی به رهبری عبدالله بن حسن بن حسن علیه‌السلام (عبدالله محض)، در مرجعیت فکری و سیاسی زیدیان نقش بـارزی ایفا کردند. با شهادت زید و یحیی، محمد بن عبدالله محض رهبری قیام زیـدیان را بـه دست گرفت و زیدیه با وی همراه شدند. درباره محمد بن عبدالله به جز گزارش‌هـایی پراکنده از جایگاه علمی و اجتماعی او و همراهـی‌اش بـا قیـام زیـد (محلـی، ۲۵۵/۱)، اطلاعی در دست نیست. به گزارش ابوالفرج اصفهانی، محمد در اواخر خلافت امویـان (سال ۱۲٦) خود را امام برحق دانسته و از مردم برای خود بیعت گرفت (ابـوالفرج، ۱/ ۳٦۱). عبدالله بن حسن بن حسن در ناحیه ابواء در نزدیکی مدینه مجمعـی تشـکیل داد که برای پسرش محمد با عنوان مهدی، دعوت می‌کرد (همو، ۳۰٤/۱، ۳٥٤). هم‌زمان بـا

۱. التبه وبر نمونه‌های دیگری نیز برای جانشینی نقل کرده است (نک. وبر، *اقتصاد و جامعه*،٤٦١).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]

روی کار آمدن عباسیان، محمد که حکومت را از آن خود می‌دانست، آماده قیام شد. وی پس از تجهیز و سازماندهی سپاهان، در رجب سال ۱۴۵ در مدینه دعوت خود را علنی کرد (طبری، ۵۵۲/۷؛ ابن‌اثیر، ۵/ ۵۲۹). مدتی بعد برادرش ابراهیم بن عبدالله نیز در بصره رهبری قیام را به دست گرفت. قیام محمد نفس‌زکیه، به سبب عدم هماهنگی و برنامه‌ریزی و فشار یاران، پیش از موعد مقرر صورت گرفت (طبری، ۵۵۲/۷).[1] علاوه بر این هم‌زمان نبودن دعوت وی با برادرش ابراهیم و جدیت منصور عباسی (۱۳۶–۱۵۸) برای سرکوب کردن قیام محمد (یعقوبی، ۲/ ۳۶۹، ۳۷۷؛ طبری، ۷/ ذیل حوادث سال ۱۴۵)، نتیجه‌ای جز شکست و کشته‌شدن وی و یارانش در برنداشت. به گزارشی نفس‌زکیه، ابراهیم را جانشین و وصی بعد از خود قرار داده بود (ابوالعباس حسنی، ۴۲۸). ابراهیم با وجود موفقیت‌های چشمگیر در آغاز نبرد، سرانجام مغلوب سپاه منصور خلیفه عباسی شد و در قریه باخمرا به سال ۱۴۵ کشته شد (یعقوبی، ۲/ ۳۷۹؛ ابن‌اثیر، ۵۶۹/۵). منابع نام محمد نفس‌زکیه و ابراهیم را در ذیل امامان زیدی ذکر کرده‌اند (شهرستانی،۱۱۴–۱۱۵). از آنجایی که قیام محمد و ابراهیم، با فاصله کمی بعد از زید و یحیی صورت گرفت و همچنین فاطمی بودن نفس‌زکیه و انگیزه وی برای مبارزه و قیام علیه ظلم و ستم، از جمله دلایلی است که از دعوت نفس زکیه و برادرش ابراهیم با عنوان قیام زیدی یاد شده است. علاوه بر این می‌توان به همراهی محمد و ابراهیم با قیام زید و نیز مشارکت و حضور زیدیان با قیام نفس‌زکیه (طبری، ۶۰۴/۴؛ ابن اثیر، ۵/ ۵۹۵–۵۹۶) و مهمتر از آن، گزارش وصایت و جانشینی محمد بن عبدالله به رهبری و زعامت قیام از سوی یحیی بن زید اشاره کرد (ابن‌خلدون، ۱/ ۲۵۰). طبق گزارشی تاریخی یحیی پس از آنکه آماده قیام شد، صحیفه‌ای که از پدرش در دست داشت به متوکل بن هارون داد و از او درخواست کرد پس از مرگ وی آن را به پسران عبدالله محض برساند (صحیفه سجادیه، ۶۲۱–۶۱۷). ابن‌خلدون در این باره نوشته است: «زیدیان پس از قتل زید به امامت پسر وی یحیی قائلند که به خراسان رفت و در گوزگان کشته شد. یحیی وصیت کرده بود که پس از درگذشت وی، امامت به محمد

۱. ابن‌اثیر بیماری ابراهیم برادر محمد را دلیل ناهماهنگی قیام آن دو نوشته است (ابن‌اثیر، ۵۲۹/۵).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]

بن عبدالله بن حسن بن حسن سبط، ملقب به نفس زکیه برسد» (ابن‌خلدون، ۲۵۰/۱). به این ترتیب رهبر فکری نهضت و پیشوایی زیدیان به تشخیص و وصیت یحیی بن زید (حقیقت، ١٤)، به محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن علیه‌السلام از شاخه علویان حسنی، رسید. چنانکه قبلاً اشاره شد محمد نفس‌زکیه در موقع مرگ، برادرش ابراهیم را در بصره جانشین خود کرد؛ بنابراین ابراهیم بن عبدالله، طبق اصول زیدیه امامت و رهبری فکری و سیاسی زیدیه را بر عهده گرفت (همو،۱۷؛ ابوالعباس حسنی، ٤٢٨). بعد از شکست محمد و ابراهیم، زیدیان با علویان حسنی همراه شدند و آنها را در قیام و خروج علیه ظلم و ستم خلافت عباسی (۱۳۲-٦٥٦) همراهی کردند. به طور کلی با بررسی سلسله امامان زیدی و پی‌گیری جایگاه اعقاب علویان حسنی در عرصه سیاست، آنها رهبران و امامان فکری و سیاسی زیدیه و مؤسس دولت‌های زیدی ایران، مغرب و یمن بودند. بنابراین هر چند رهبر زیدیه (زید بن علی علیه‌السلام) از علویان حسینی بود، اما امامان و پیروان زیدی از حسنیان بودند. پیش از پرداختن به مسئله حلّ بحران جانشینی زیدیان طبق نظریه وبر، اشارتی مختصر به علل انتقال رهبری سیاسی و فکری زید به علویان حسنی خواهد شد.

گرچه منابع به درگیری زید بن علی با عبدالله بن حسن بن حسن محض اشاره دارند؛ اما زمانی که عبدالله محض از اقامت زید بن علی علیه‌السلام در کوفه و بیعت با کوفیان مطلع شد، نامه‌ای به زید نوشت و او را از اعتماد به کوفیان برحذر شد. در این نامه عبدالله محض به بی‌وفایی کوفیان آنها اشاره دارد و هشدار می‌دهد کوفیان زبانشان جلوتر از خودشان است و قلبشان آنها را همراه نمی‌کند. عبدالله به زید تذکر داد که کوفیان نامه‌های دعوت را به وی نیز نوشته‌اند، اما او به کوفیان اعتماد نداشته و به سخنان آنان توجه نکرده است (طبری، ۷/ ١٦١). با وجود نصیحت عبدالله محض بزرگ علویان حسنی، زمانی که کوفیان و شیعیان نواحی مختلف با زید برای قیام علیه ظلم و ستم دولت اموی بیعت کردند، محمد (نفس زکیه) بن عبدالله محض و ام‌عبدالله دختر امام حسن علیه‌السلام نیز از حسنیانی بودند که با زید در قیام علیه دولت اموی شرکت داشتند (ابوالعباس حسنی، ٤٠٣؛ محلی، ۲۵۵/۱). زیدیان نیز از همان آغاز با حسنیان همراه بوده در قیام‌های آنان حضور داشتند. چنانکه زیدیان پس از انتصاب و جانشینی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]

نفس‌زکیه از سوی یحیی رهبر کاریزماتیک خود، با حسنیان ارتباط داشتند. مشارکت فرزندان زید[1] در قیام محمد بن عبدالله و همراهی زیدیان با ابراهیم بن عبدالله (ابوالفرج، ۱/ ۳۰٤)؛ - چنانکه به گزارش مسعودی چهارصد تا پانصد تن از زیدیان با ابراهیم بن عبدالله همراه بودند- (مسعودی، ۳ /۲۹٦-۲۹۷)، از نخستین نمونه‌های حضور زیدیان با قیام‌های علویان حسنی است.[2] بنا به گزارش منابع، محمد بن عبدالله (نفس زکیه) به گروهی از زیدیان مدینه وصیت کرد تا بعد از او از برادرش ابراهیم اطاعت برده و پس از ابراهیم، عیسی فرزند زید بن علی علیه‌السلام را رهبر خود قرار دهند (نجفیان رضوی، ۳٤٥). با مراجعه به منابع تاریخی و کتب فرق و ملل و نحل مشاهده می‌شود که مهم‌ترین امامان زیدیه، پس از زید بن علی علیه‌السلام و فرزندش یحیی، محمد و ابراهیم پسران عبدالله محض، حسین بن علی (شهد فخ)، ابوالسرایا، ابن‌طباطبا از علویان حسنی بودند که در دوران خلافت عباسی (۱۳۲-٦٥٦) قیام کردند (ولوی، ۱ / ۱۳۱). از نیمه قرن دوم به تدریج مبارزات سیاسی پیروان زیدیه شکل جدیدی گرفت و امامان زیدی به جای شورش‌های منطقه‌ای، موفق شدند در نواحی مختلف قلمرو اسلام، حکومت‌های محلی تشکیل دهند. چنانکه در منابع از ادریسیان شمال آفریقا (طبری، ۱۹۲/۸)، زیدیان یمن (نوبختی، ۹۰) و علویان طبرستان (طبری، ۲۷۹/۹، ذیل حوادث سال ۲۵۰؛ مسعودی، ٦۸/٤) به عنوان حکومت‌های زیدی نام برده شده است (نوبختی، ۹۱).

۲. نهاد کاریزمایی

به منظور فهم راه‌حلّ زیدیه برای پر کردن خلأ رهبری و جانشینی کاریزمایی امامان زیدیه بعد از محمد و ابراهیم فرزندان عبدالله محض، لازم است به باور و دیدگاه عقیدتی زید اشاره شود، زیرا اندیشه سیاسی و دینی زید بن علی علیه‌السلام به عنوان رهبر کاریزماتیک زیدیه علاوه بر اصول کلی اعتقادات فرقه زیدی در تعیین و انتصاب امامان زیدی نیز تأثیرگذار بود.

---

۱. حسین و عیسی فرزندان زید بن علی علیه‌السلام در قیام محمد نفس زکیه شرکت داشتند، (ابوالفرج، ۲٦۳). علاوه بر این زیدیان در قیام اشتر پسر نفس زکیه نیز حضور داشتند (ابن‌اثیر، ٥۹٥/٥-٥۹٦).

۲. برای آگاه بشتر از ارتباط زیدیه و علویان حسنی (ر.ک. نجفیان رضوی، «واکاوی دلائل همرایی و همگرایی فکری اصحاب مذاهب اسلامی»، ۱۰٥-۱۰۹).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]

بر اساس چارچوب نظری پژوهش، سیر تاریخی فرقه زیدیه و سیادت کاریزماتیک زیدیه با رهبری و اقتدار زید بن علی آغاز شد. زید به عنوان رهبر کاریزماتیک زیدیان در کلام و افکار خود قائل به اصولی بود که بعدها در تعیین جانشین و زعامت فکری و سیاسی فرقه زیدیه، تأثیر بسیار داشت. بر مبنای دیدگاه زید، جانشین کاریزمایی وی باید صلاحیت و شرایط لازم را برای امامت و رهبری داشته باشد. باور زید درباره شروط امامت بر اصل قیام به سیف استوار بود، شرطی که باعث اختلاف و رقابت زید با برادرش امام محمد باقر علیه‌السلام شد. زید مسئله قیام را از شروط امامت و زعامت می‌دانست، اما امام محمد باقر علیه‌السلام با این استدلال که پدر ما زین العابدین علیه‌السلام امام بود، در حالی که در طول حیاتشان قیام نکرد (شهرستانی، ۱۱۵)؛ در حقیقت شرط قیام به سیف از نگاه زید را برای انعقاد امامت باطل اعلام کرد. علاوه بر این زیدیه بر طبق دیدگاه زید، معتقدند بعد از امام علی علیه‌السلام امامت از آن امام حسن علیه‌السلام و حسین علیه‌السلام بود و بعد از آنها به فرزندانشان می‌رسد. در باور زیدیان امامت حضرت علی علیه‌السلام، امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام با نصّ صورت گرفته است، اما بعد از این سه امام، نصیّ بر امامت هیچ علوی در دست نیست. به این ترتیب زیدیه در انتصاب امام، قائل به نص نیستند و مهمترین شروط امامت را خروج امام می‌دانند. البته در بحث امامت و بیان شروط امام، نسب اهمیت داشت و امامت را به فرزندان امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام محدود می‌کردند. زیرا به نظر زیدیان امام باید فاطمی و از اعقاب امام حسن علیه‌السلام و حسین علیه‌السلام باشد، بنابراین هر یک از اعقاب آنها که شرایط و صلاحیت داشته برای مبارزه با ظلم و ستم و در راه خدا قیام به سیف کند و البته قادر به دفاع باشد، امام است (اشعری، ۱۴۲-۱۴۳؛ نوبختی، ۹۰). به این ترتیب با اقدام زید بن علی علیه‌السلام جریانی جدید در انتصاب و زعامت سیاسی شیعه شکل گرفت.

۲.۱. فرهنگ‌سازی نهاد کاریزمایی[۱]

بازخوانی گزارشهای تاریخی نشانگر آن است که هر چند شکست زید به معنی افول جاذبه کاریزمایی او تعبیر می‌شود اما قیام و اصول فکری زید، به تدریج در جامعه

۱. این تعبیر از مقاله «جانشینی پیامبر؛ انتقال کاریزما»، دکتر فهمه فرهمندپور گرفته شده است (فرهمندپور، ۲۱).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]

باوری را شکل داد که قالب و ساخت و ساز آن با اندیشه امامت منصوص و جانشینی اهل بیت متفاوت بود. از آنجایی که انقلابی‌گری، سرشت حرکت‌آفرینی و تحول‌زایی لازمه دوام و بقای شخصیت کاریزماست، بنابراین زید با طرح قیام به سیف، توانست زمینه استمرار و تداوم جاذبه کاریزمایی در جامعه را فراهم نماید. به نظر وبر در اقتدار کاریزمایی اطاعت از شخص به سبب اعتماد به او، یا وحی نازل شده بر او، یا قهرمانی و سرمشق بودن است. زیرا به تدریج ویژگی‌های فکری و روش رهبر کاریزمایی به پیروان نفوذ می‌کند. اعتبار بخشیدن به مبانی فکری زید بن علی﵇ و نهادینه شدن آن، فرصتی برای علویانی بود که اندیشه زعامت دینی و سیاسی داشتند. به این ترتیب علویان فاطمیِ نسب با خروج و قیام توانستند رهبری کاریزمایی زیدیه را به دست آورند، چرا که به تعبیر وبر طبق شواهد و علایم، صلاحیت سیادت را داشته‌اند. به بیان دقیق‌تر برخی از علویان با تغییر ملاک استحقاق تصدی خلافت و با کاریزمایی معرفی کردن جایگاه خلافت و امامت- بدین معنی که نهاد کاریزمایی به جای فرد کاریزما ایجاد شد- (فرهمندپور، ١٦) آن را جایگزین رهبری فکری و سیاسی ائمه کردند. چنانکه یحیی بن زید با زعامت قیام شیعیان خراسان، رهبر کاریزماتیک زیدیان شد. در منابع تاریخی، گزارشی مبنی بر بیعت هواداران و پیروان زید با یحیی در دست نیست و علاوه بر این به جانشینی یحیی از سوی زید نیز اشاره نشده است. تنها در یک مورد به انتصاب ائمه زیدی به تعیین جانشین توسط خود کاریزما و قبول آن از سوی پیروان اشاره شده است و آن تعیین و انتصاب رهبری محمد و ابراهیم فرزندان عبدالله محض بنا به وصیت یحیی بن زید بوده است. طبق گزارش‌های تاریخی، ابراهیم نخست برای برادرش محمد بیعت می‌گرفت و بعد از کشته شدن و سرکوب نهضت نفس‌زکیه برای خود دعوت می‌کرد (یعقوبی، ٢/ ٣٨٧؛ ابوالعباس حسنی، ٤٢٨؛ ابن‌اثیر، ٥/ ٥٦٣). راه حلّی که وبر آن را از رایج‌ترین شیوه‌های انتخاب رهبر کاریزما می‌داند (وبر، *اقتصاد و جامعه*، ٢٦١). به جز موارد یاد شده جانشین کاریزماتیک زید، بر مبنای اصول فکری و کلامی زیدیه بود. به بیان دیگر زیدیه با تعیین شروط لازم برای جانشینی و رهبری جامعه اسلامی چون قیام به سیف، مرجعیت فکری و عملی امامت را که بر نصّ استوار بود، کنار گذاشتند. علاوه بر این زیدیان، با اعتبار بخشیدن به شرط فاطمی بودن امام،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]

فرصتی را برای تمام علویانی که اندیشه خلافت و حکومت داشتند، فراهم کردند. بنابراین با توجه به راه‌کارهایی که وبر برای تعیین جانشین رهبر کاریزمایی تعیین کرده، روش زیدیان برای حلّ بحران جانشین رهبر کاریزماتیک بعد از زید، ایجاد دستگاه کاریزمایی بود که بر این اساس مشروعیت رهبری کاریزماتیک امامان زیدی با قیام به سیف، مبارزه علیه ظلم و ستم و داشتن نسب فاطمی از سوی پیروان، تأیید می‌شد.

پذیرش رهبر کاریزما از سوی پیروان یا به گفته وبر توسط کسانی که در معرض سیادت هستند، برای اعتبار کاریزما مهم و تعیین‌کننده است. این پذیرش آزادانه است و با عنوان نشانه و دلیل تضمین می‌شود. البته در مواقعی که کاریزما اصیل باشد، دیگر نشانه برای ادعای مشروعیت اساس نیست و مبنای این مدعا در احساس وظیفه کسانی است که دعوت به پذیرش کاریزمایی شده‌اند. بنا بر نظریه وبر موضوع مهم در سیادت کاریزماتیک این است که فرد دارای سیادت کاریزمایی از سوی پیروانش چگونه ارزیابی شود (همو، ٤٥٥).

نتیجه‌گیری

زیدیان از لحاظ سیاسی، مذهبی، فکری و کلامی خود را پیرو زید بن علی بن حسین علیه‌السلام می‌دانند که در اواخر حکومت اموی وارد صحنه سیاست شد. تبار خانوادگی، شخصیت مذهبی، دشمن‌ستیزی و مبارزه علنی علیه ظلم و ستم برای زید در جامعه اسلامی جاذبه و اعتباری به‌وجود آورد که زمینه‌ساز شکل‌گیری کاریزمایی وی شد. رهبر کاریزمایی زیدیان توانست با مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری و ارائه راه‌حل برای رفع بحران وارد صحنه شود و هسته‌ای از یاران را تشکیل دهد. از سویی فشارهای سیاسی و اجتماعی که بر شیعیان اعمال می‌شد و عواطف ناشی از مواجه با بحران، پیروان را تحت تأثیر قرارل داد تا به فرایند کاریزمایی زید پاسخ دهند. بر مبنای اقتدار (سیادت) کاریزماتیک اگر رهبر کاریزما موقعیت‌هایی به دست آورد جنبش تقویت می‌شود و تداوم می‌یابد و اگر به موفقیت نرسد از نفوذ و اعتبار وی کاسته می‌شود. جاذبه استثنایی زید نیز به جهت عدم همراهی پیروانش افول کرد؛ اما دیدگاه زید که مرجعیت سیاسی و فکری شیعیان را در قیام به سیف می‌دانست، سبب

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]

شد گروهی از علویان که امامت را نه بر مبنای نصّ، بلکه در قدرت سیاسی می‌دیدند، اصول و اعتقادات فکری و کلامی او را پذیرفته قائل به استمرار قدرت کاریزمایی وی شوند. بر این اساس دستگاه کاریزمایی گرداننده اجتماع کاریزمایی به وجود آمد که اهرم قدرت سیاسی را بر مبنای اندیشه و دیدگاه زید تبیین و توجیه کرد. در این صورت با نهادینه شدن اصول فکری و اعتقادی زیدیه، هر فرد دارای نسب فاطمی با مبارزه سیاسی و قیام به سیف، مشروعیت امامت زیدیه و صلاحیت به رسمیت شناخته شدن از سوی پیروانِ تحت سیادت را دارا بود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]

منابع

ـ ابن‌اثیر، ابوالحسن عزالدین، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر، ١٩٦٤ م.

ـ ابن‌خلدون، عبدالرحمان، عبدالرحمان، *العبر و دیوان المبتداء و الخبر فی تاریخ العرب و العجم و البربر و عاصرهم من ذوی الشان الاکبر*، تحقیق خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر، ١٤٠٨ ق.

ـ ابن‌طقطقی، محمد ابن‌طباطبا، *الفخري في الآداب السلطانية و الدول الاسلامية*، تحقیق عبدالقادر محمد مایو، بیروت: دارالقلم العربی، ط الأولی، ١٤١٨ ق.

ـ ابوالعباس حسنی، احمد بن ابراهیم، *المصابیح*، عمان: موسسهٔ امام زید بن علی الثقافیه،١٤٢٢ ق.

ـ ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل، *المختصر فی أخبار البشر*، بیروت: دارالمعرفه، [بی‌تا].

ـ ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین، *فرزندان ابوطالب*، ترجمه جواد فاضل، تهران: کتابفروشی علی‌اکبر علمی، ١٣٣٩ ش.

ـ اشعری، سعد بن عبدالله، *المقالات و الفرق*، ترجمه یوسف فضایی، تهران: انتشارات عطائی، ١٣٧١ ش.

ـ بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب‌الاشراف*، جلداول محمد حمیدالله، جلد چهارم ١٩٣٦ مصر: مطبعه القدس، ١٩٣٨م.

ـ بندیکس، زینهارد، *سیمای فکری ماکس وبر*، ترجمه محمود رامبد، تهران: انتشارات هرمس، ١٣٨٢ ش.

ـ ترنر، برایان. اس، *وبر و اسلام*، مترجمان حسین بستان و علی سلیمی و دیگران، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ١٣٨٨ش.

ـ جلایی‌پور، حمیدرضا و مجید فولادیان، «شرایط شکل‌گیری و یا افول رهبر کاریزمایی، مطالعه مورد دوره خاتمی (١٣٧٦-١٣٨٤ ش)»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره چهارم، ١٣٨٧ش.

ـ جلایی‌پور، حمیدرضا و مجید فولادیان، «مقایسه سلطه فرّه‌مندانه و سلطه کاریزماتیک با اتکا به آراء وبر؛ ایضاح یک خلط مفهومی»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]

انسانی، دوره هشتم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۵.
ـ حقیقت، عبدالرفیع، *جنبش زیدیه در ایران*، بی‌جا: انتشارات آزاداندیشان، ۱۳۵۹ ش.
ـ شهرستانی، عبدالکریم، *الملل و النحل*، ترجمه محمدرضا جلالی، بی جا: انتشارات اقبال، ۱۳۵۰ ش.
ـ *صحیفه سجادیه*، به کوشش محمد علی ابطحی، بی‌جا: مؤسسه امام مهدی، ١٤١١ ق.
ـ طبری، أبوجعفر محمد بن جریر، *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث،، ١٩٦٧م.
ـ عابدی جعفری، حسن، «جاذبه استثنایی، تحول مفهومها و مصداقها»، مصباح، پاییز ۱۳۷۳ ش، شماره ۱۱.
ـ فرهمندپور، فهمه، «جانشینی پیامبر؛ انتقال کاریزما»، تاریخ اسلام، سال۵، تابستان ۱۳۸۳، شماره۱۸.
ـ کرایب، یان، *نظریه اجتماعی کلاسیک*، ترجمه شهناز مسمّی‌پرست، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۲ ش.
ـ کریمان، حسین، *سیره و قیام زید بن علی*ؑ، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ١٣٦٤ ش.
ـ کلینی، محمد بن یعقوب، *بهشت کافی*، ترجمه حمیدرضا آژیر، قم: انتشارات سرور، ۱۳۸۱ ش.
ـ ماسینیون، لویی، *جغرافیای تاریخی کوفه*، ترجمه عبدالرحیم قنوات، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت، ۱۳۸۸ ش.
ـ محلی، احمد بن محمد، *حدائق الوردیه*؛ تحقیق مرتضی بن زید مصطفوی، صنعا: بدرالعلمی و الثقافی، ١٤١٣ ق.
ـ مسعودی، أبو الحسن علی، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، تحقیق اسعد داغر، قم: دارالهجره، ١٤٠٩ ق.
ـ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الارشاد*، بیروت: انتشارات مؤسسه اعلمی، بی تا.
ـ موقن، یدالله و احمد تدیّن، *عقلانیت و آزادی*؛ مقالاتی درباره ماکس وبر، تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۷۹ ش.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]

ـ نجفیان رضوی، لیلا، «واکاوی دلائل همرایی و همگرایی فکری اصحاب مذاهب اسلامی؛ زیدیه، معتزله و مرجئه با نخستین قیام‌های سادات حسنی تا سال ۱٤٥ ق»، مطالعات تاریخ فرهنگی، بهار ۱۳۹۱، سال ۳، شماره ۱۱.
ـ نجفیان رضوی، لیلا، *حیات سیاسی حسنیان تا سال ۱٤٥ ق*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹٤ ش.
ـ نقیب‌زاده، احمد، *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: سمت، ۱۳۸۷ ش.
ـ نوبختی، حسن بن موسی، *فرق الشیعه*، ترجمه: محمد جواد مشکور، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳ ش.
ـ وبر، ماکس، *دین، قدرت، جامعه*، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۲ ش.
ـ وبر، ماکس، *اقتصاد و جامعه*، ترجمه: عباس منوچعری و دیگران، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸٤ ش.
ـ ولوی، علی محمد، *تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی*، تهران: انتشارات بعثت، ۱۳٦۷ش.
ـ هارونی، ابوطالب یحیی، *الإفاده فی تاریخ الائمه الساده*، تصحیح محمدکاظم رحمتی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۷ ش.
ـ هندز، مارتین، «ریشه‌شناسی جریان‌های سیاسی کوفی در نیمه نخست قرن اول هجری»، ترجمه محمد علی رنجبر، تاریخ اسلام، سال ۳، بهار ۱۳۸۱، شماره ۹.
ـ یعقوبی، ابن‌واضح، احمد بن أبی یعقوب، *التاریخ*، بیروت: دار صادر، بی‌تا.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.6.8]